

دیوانگاره میدان راه‌آهن به یاد دریاخان «دنا»

دیوانگاره جدید میدان راه‌آهن، هم‌زمان با اربعین شش‌بج ۸۴ شهید مظلوم ناوشکن دنا با اثری از صابر شیخ‌رضایی و با محوریت شهدای قهرمان ناوشکن دنا رونمایی شد. این طرح با یک جمله از نخستین پیام رهبر معظم انقلاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت «روز ارتش» مزین شده است:

«سلام و درود خداوند متعال بر همه مجاهدان ارتش جمهوری اسلامی ایران. این اثر به نیت پاسداشت یاد ۸۴ شهید مظلوم ناوشکن دنا که در روزهای آغازین جنگ تحمیلی علیه ایران در ۱۱۲سفندماه ۱۳۶۴ توسط رژیم صهیونی ایالات متحده آمریکا مورد هدف قرار گرفتند، طراحی و اجرا شد.»



حسین حقیقی از چگونگی تبدیل یک قطعه حماسی به تجربه‌ای خیابانی می‌گوید

هویت جمعی در همصدایی خیابان

بلاگردون ایرانم

حوزه هنری Hossein Haghighi

هدی سادات پاک‌نهاد **در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، خیابان‌ها به محدثای زنده از حضور جمعی تبدیل شده‌اند که در آن مردم با صدا، حرکت و همخوانی نوعی تجربه مشترک را بازآفرینی کرده‌اند. در این میان موسیقی و به‌ویژه نماهنگ‌ها و آثار حماسی صرفا نقش همراه ندارند بلکه در بسیاری از مواقع به محرک یک رفتار جمعی تبدیل شده‌اند؛ از همخوانی‌های خیابانی گرفته تا لحظه‌هایی که جمعیت را به واکنش‌های هماهنگ و نمادین واداشته‌اند. یکی از نمونه‌های شاخص این تجربه، قطعه «بلاگردون ایرانم» است که توسط حوزه هنری انقلاب اسلامی منتشر شده و در مقاطعی از اجراهای میدانی، به صحنه‌هایی منجر می‌شود که در آن مردم هم‌زمان با موسیقی، به ادای احترام نظامی به پرچم ایران در میدان‌ها می‌پردازند. در گفت‌وگو با حسین حقیقی نسبت میان این تجربه جمعی و شکل‌گیری اثر از دل میدان از زاویه نگاه خالق آن بررسی می‌شود.**

📌📌📌

📌 در جنگ تحمیلی اخیر شاهد بودیم موسیقی، به‌ویژه آثار حماسی و نماهنگ‌ها، نقشی فراتر از یک همراه صرف ایفا می‌کنند و گاه به محرک اصلی رفتارهای جمعی بدل می‌شوند. چرا موسیقی تا این حد در این فرآیند مؤثر است؟ موسیقی- خصوصا در قالب سرودها و قطعات حماسی که با هدف ایجاد همبستگی و تقویت روحیه جمعی ساخته می‌شوند- دارای قدرتی منحصربه‌فرد در پیوند دادن افراد است. اساسا هر نوع موسیقی که یک نگاه جمعی را بازتاب دهد، زمانی که توسط تک‌تک افراد در یک جمع همخوانی می‌شود، حس وحدت و انسجام را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که همه افراد یک صدا، یک شعر و یک ضرباهنگ مشترک را اجرامی‌کنند و این ویژگی، جوهره اصلی تأثیرگذاری موسیقی در شکل‌دهی به هویت جمعی است. معتقدم این تجربه در هیچ مدیوم دیگری قابل تکرار نیست. هویت جمعی واقعیتی است که در موسیقی به تجسم درمی‌آید چراکه افراد به‌صورت هماهنگ شروع به خواندن می‌کنند، همان واژگان مشترک را تکرار می‌کنند و این عمل، خود به یک اتفاق جمعی قدرتمند بدل می‌شود که مستقیما به تقویت این انسجام کمک می‌کند. می‌توان این وضعیت را با نمونه‌هایی مانند نماز جماعت مقایسه کرد که در آن هماهنگی و وحدت وجود دارد اما به عقیده من، موسیقی حتی از آن هم جمعی‌تر است. چون در موسیقی افراد باید دقیقا روی یک ضرباهنگ مشخص، واژگان را تکرار کنند و کوچک‌ترین عدم هماهنگی، تأثیر آن را کاهش می‌دهد. این دقت و هم‌زمانی، نقش موسیقی را در خلق یک تجربه مشترک کاملا مؤثر و متمایز می‌سازد. زمانی که یک گروه به‌طور هماهنگ آواز می‌خوانند، حس تعلق خاطر، همسویی و درک متقابل به‌شدت افزایش می‌یابد. این همراهی صوتی، نمادی از همراهی در اندیشه و احساس است.

📌 قطعه «بلاگردون ایرانم» یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های اخیر است که توانسته میان موسیقی حماسی و حضور میدانی مردم پیوند عمیقی برقرار کند. شما به‌عنوان خواننده و یکی از

سینما

فیلم ماگان نصیری ساخته می‌شود

سیامک مردانه بازیگر و کارگردان سینما با اشاره به نگارش فیلمنامه‌ای درباره ماگان نصیری شهید مفقودالآثر فاجعه مدرسه میناب با اشاره به نگارش یک فیلمنامه درباره این کودک به مهر گفت: تمرکز این فیلمنامه بر شخصیت ماگان نصیری معطوف است. زیرا پیکر این کودک هفت ساله هرگز یافت نشد. روایت فیلمنامه به‌صورت خطی طراحی شده و قصد من بر این است که داستان را از دو شب پیش از وقوع حادثه مدرسه میناب آغاز کنم و داستان تا به امروز که یک قبر خالی به‌عنوان یادبود ماگان نصیری در مسجد قرار داده شده ادامه پیدا کند. بسیار برای ملاقات با خانواده ماگان تلاش کردم و از طریق دایی او آنها را در خمینی‌شهر یافتم. زمانی که متوجه شدند قصد دارم فیلمنامه‌ای درباره فرزندشان بنویسم از این مسأله استقبال کردند. در حال حاضر روی طرح فیلمنامه کار می‌کنم و قصد دارم داستان را فدای زمان بندی تولید کنم. قابل‌های صوتی خانواده را پیوسته مرور کرده و محتوای آنها را به رشته تحریر درمی‌آورم.

شیخ‌رضایی در توضیح بیشتر اثرش نوشت: «این طرح نمایانگر سلام و احترام نظامی دلاوران ملت به پرچم مقدس و سه رنگ ایران عزیز و نمایانگر اعتماد به خدای متعال و عزم راسخ دریادلان ایرانی در دفاع از مرزهای آبی ایران و عبور از موانع و محاصره‌های تحمیلی دشمنان و خط شکنی و فتح دریاها و اقیانوس‌های پیش روست.»



می‌شود که آیا این آثار صرفا «مناسبتی» هستند و با پایان یافتن آن مقطع زمانی کارکرد خود را از دست می‌دهند؟ دیدگاه شما در این باره چیست؟

این پرسش به نکته بسیار مهمی اشاره دارد. به‌نظر من ابتدا باید تعریف روشنی از «آهنگ مناسبتی» داشته باشیم. صرف این‌که در یک مقطع زمانی خاص، مثلا در دوران جنگ آثاری تولید می‌شوند، لزوما به این معنا نیست که باید بر آنها برچسب «مناسبتی» زد و آنها را محدود به همان دوره دانست. تاریخ موسیقی جهان پر از آثار بزرگی است که دردل انقلاب‌ها، جنگ‌ها یا رویداد‌های تاریخی مهم شکل گرفته‌اند اما همچنان شنیده می‌شوند و طنین‌انداز هستند. این آثار همچنان سرشار از حماسه، هیجان و شور هستند و در عین حال یک روایت تاریخی را باخود حمل می‌کنند. آنها به‌نوعی تاریخ‌نگاری هنری محسوب می‌شوند اما نکته اینجاست که ابتدا تاریخ مصرف ندارند و کاملا قابل استفاده و تأثیرگذار باقی می‌مانند. آثاری مانند «سرود ملی» یا قطعات حماسی که در بزنگاه‌های تاریخی خلق شده‌اند، فراتر از زمان خود عمل می‌کنند و پیام‌شان همچنان زنده است. با این حال، نوع رویکرد در تولید اثر، تعیین‌کننده اصلی ماندگاری آن است. ممکن است موسیقی‌ای صرفا براساس یک شرایط بسیار خاص و زودگذر تولید شود. مثلا برای واکنش به یک اتفاق لحظه‌ای. طبیعی است چنین اثری پس از پایان یافتن آن شرایط خاص، کارکرد و جذابیت خود را از دست بدهد اما اگر در تولید اثر، تلاش شود تا از واژگان، ادبیات و مفاهیمی استفاده شود که فراتر از زمان و مکان باشند، آن اثر ماندگار خواهد شد. نکته کلیدی همین است که زبان و بیان اثر، تاریخ مصرف نداشته باشد و بتواند با نسل‌های آینده نیز ارتباط برقرار کند. این امر نیازمند درک عمیق از مفاهیم پایدار انسانی و تاریخی است.

📌 پس از موفقیت چشمگیر قطعه «بلاگردون ایرانم» و تجربه شما در ارتباط با مخاطبان در میادین، آیا برنامه‌ای برای تولید آثار جدید در همین راستا و با مضامین مشابه دارید؟
بله، قطعا. ما در حال حاضر مشغول تولید یکی دو کار دیگر هستیم که سعی داریم در آنها نیز همین مسیر را ادامه دهیم. یکی از این آثار، بازم به همین مردمی می‌پردازد که در خیابان حضور دارند؛ مردمی که به تعبیر امام راحل «مبعوث» هستند و به گفته رهبر معظم انقلاب، در حال خلق اعجازند. ما می‌خواهیم روایتگر این حضور، این اراده و این قدرت مردمی باشیم. سوزه‌ای که برای این کار جدید انتخاب کرده‌ایم، درباره «رسولان آخرالزمان» است. تلاش ما این است که در این اثر، فضایی تازه و بسکی نوین را در موسیقی حماسی ایجاد کنیم. می‌خواهیم از کلیشه‌ها فاصله بگیریم و با نگاهی عمیق‌تر و هنرمندانه‌تر، به این مفاهیم بپردازیم. امیدواریم این آثار جدید نیز همچون «بلاگردون ایرانم»، مورد توجه و علاقه مردم عزیز قرار بگیرد و بتواند بخشی از همین پیام وحدت و حماسه را منتقل کند.

📌 به‌نظر شما از راه‌اصی اثرگذاری یک قطعه موسیقی در انتقال عمیق احساس به مخاطب چیست؟ چرا برخی آثار ماندگار می‌شوند و برخی دیگر فراموش؟

به باور من مهم‌ترین مخاطب هر اثر، خود خالق آن اثر است. اگر آنچه هنرمند می‌خواند، از دل برآمده باشد، اگر خودش عمیقا به آن گوش دهد، با آن ارتباط برقرار کند و به پیامش ایمان داشته باشد، آنگاه طبیعا مردم نیز با آن اثر ارتباط خواهند گرفت. هنرمند نباید به‌عنوان یک اپراتور یا مجری، صرفا شعری را اجرا کند، حتی اگر آن اجزا از نظر فنی بی‌نقص باشد. اینگونه کارها چندان اثرگذار نخواهند بود. هنرمند باید واژگانی را که به‌کار می‌برد با تمام وجودش، با پوست و گوشت و استخوانش لمس کند و به آنها اعتقاد عمیق داشته باشد. اثر باید از درون وجود خود هنرمند بجوشد و برآیند صدق نیت و احساس او باشد. به همین دلیل است که می‌بینیم آثاری که یک خواننده صرفا به خاطر سفارش یا منفعت مادی خواند و وا اجرا کرده، معمولا ماندگار نمی‌شوند و به‌سرعت فراموش می‌گردند اما آثاری که هنرمند برای شان تلاش کرده، عمیقا درگیر ساخت آنها بوده، برای خلق شان زحمت کشیده و با تمام وجود به آنها باور داشته است، قطعا اثرگذارتر، ماندگارتر و دارای عمق بیشتری خواهند بود. این صداقت هنرمند و باور درونی اوست که به اثر روح می‌بخشد و آن را به دل مخاطب می‌نشاند.

قاب

انتشار راهنمای شاهنامه خوانی برای نسل نوجوان

کتاب «با کودکان شاهنامه بخوانیم» به قلم جواد رنجبر درخشیر از سوی نشر هرمخ منتشر شد. «با کودکان شاهنامه بخوانیم» کتاب راهنمای والدین و مربیان برای آموزش شاهنامه به کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۷ساله است. نویسنده، این کتاب را براساس تجربیات موفق خود از کارگاه‌های آموزشی «با کودکان شاهنامه بخوانیم»، در تهران و تبریز نگاشته است. این کتاب سه بخش اصلی دارد که هرکدام شامل مضامین مرتبط است. بخش نخست با عنوان «شاهنامه به مثابه امر ملی» ایده اصلی و دستگاه نظری نویسنده را توضیح می‌دهد.

فرهنگ + CULTURE +

۲ سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره چهارم

ویژه

کیکاس زبیری | روزنامه‌نگار

نامه سرگشاده علیه سیاست‌های

مهاجرتی ترامپ

تعدادی از هنرمندان هالیوودی که اکثرشان را بازیگران لاتینی‌تبار تشکیل می‌دهند، در نامه سرگشاده‌ای به مسئولان دولتی آمریکا خواستار بسته‌شدن مرکز اسکان موقت مهاجران در شهر تگزاس و پایان فعالیت‌های آن شده‌اند. در بین امضاکنندگان نامه در کنار جین فوندا، بازیگر کلاسیک ضدجنگ، نام‌های پدرو پاسکال، خاویر باردِم، مارک رافالو، سوزان ساراندون، آخاندرو گونزالس ایناریتو، مدونا، آمریکا فررا و الیوت پیچ دیده می‌شود. به‌نوشته رسانه‌های داخلی، مرکز یادشده مکانی است که بچه‌های بازداشت‌شده به‌همراه والدین خود در آنجا نگهداری می‌شوند. در نامه سرگشاده هنرمندان از جمله آمده است: «هیچ بچه‌ای را نباید در یک مرکز بازداشتگاه مهاجران حبس کرد. بچه‌ها از نبود امکانات آموزشی و تحصیلی شکایت دارند و در این باره صحبت می‌کنند که تغذیه خوبی ندارند اما در مقابل، چه پاسخی به آنها داده می‌شود؟» این نامه سرگشاده درحالی منتشرشده که به‌دنبال سیاست‌های ضد مهاجرتی دولت ترامپ، نزدیک ۲۵۰۰ کودک و نوجوان همراه والدین‌شان بازداشت شده و در خطر اخراج از آمریکا قرار دارند. نشریه وراثتی خبر می‌دهد که نویسندگان نامه نسبت به وضعیت این بچه‌ها نگران بوده و اعلام خطر کرده‌اند. در کنار وحشت و ترومای که وجود این کودکان و نوجوانان را فراگرفته، شرایط نگهداری آنها هم مناسب نیست و از نظر بهداشتی و غذایی مورد غفلت قرار گرفته‌اند.



به‌گفته امضاکنندگان نامه، مکان خواب و استراحت این بچه‌ها نامناسب است، غذای گرم و کافی به آنها داده نمی‌شود و آب تمیز برای شست‌وشودر اختیارشان قرار نمی‌گیرد. در پایان نامه سرگشاده هنرمندان نیز آمده است: «جای بچه‌ها نه در مراکز تادیب و تنبیه، که در مدارس است. بچه‌ها به مدارس تعلق دارند و نه مراکز بازداشتگاه‌ها». این نامه سرگشاده هنرمندان علیه سیاست‌های ارتجاعی ترامپ، اولین نامه از این دست نیست که توسط نام‌های آشنای هالیوودی نوشته و منتشر می‌شود. در یکی دو ماه اخیر، بسیاری از بازیگران و فیلمسازان هالیوودی به‌صورت جمعی یا فردی با روش‌های حکومت‌داری رئیس‌جمهور مرتجع آمریکا مخالفت با دخالت نظامی آمریکا در ویتنام سرتیتر خبرهای رسانه‌ای بود، در روزهای آغازین جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران همراه با رابرت دنبرو و جمیع کثیری از فعالان ضد جنگ، در راهپیمایی بزرگ ضد جنگ شهر واشنگتن شرکت کرد.

از زمان آغاز جنگ آمریکا علیه ایران، تعداد بسیار زیادی از بازیگران، فیلمسازان و مجریان شبکه‌های مختلف خبری آمریکا، نسبت به آن موضع‌گیری و سیاست‌های جنگ‌طلبانه ترامپ را محکوم کرده‌اند. جمله به‌مدرسه ابتدایی میناب هم از جمله اتفاقاتی بوده که باعث واکنش خشم‌آلود شمار زیادی از هنرمندان و از جمله سوزان ساراندون و مارک رافالو شد و به‌شدت آن‌را محکوم کردند.

